



Historiographical Analysis of the Quranic Word “Sarīm” in the Verse “Fa 'Asbahat ka al-Sarīm” in Early, Late and Contemporary Exegetical and Translational Sources

Mohammadali Hemati¹ | Mehdi Abdollahipour² | Wafadar Keshavarzi³

1. Corresponding Author, Professor, Department of Quran Interpretation and Sciences, Holy Quran University of Sciences and Education, Shiraz, Iran. Email: hemmmti@quran.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Qur'an Commentary and Sciences, University of Noble Qur'an Sciences and Education, Qom, Iran. Email: abdollahi@quran.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Qur'an Interpretation and Sciences, University of Noble Qur'anic Sciences and Education, Shiraz, Iran. Email: keshavarz@quran.ac.ir

Article Info

Article type: Research Article

Article history:

Received 7-Jan-2023

Received in revised form 16-Apr-2023

Accepted 26-Jun-2023

Published online 21-Sep-2023

Keywords:

Sarīm,

Persian and Latin Translations,

Dark Night,

Burnt,

Picked Fruit.

ABSTRACT

The word “sarīm” in the verse “fa 'asbahat ka al-sarīm” (Q. Qalam:20) is a word that the Persian and Latin translators, as well as the commentators, have not given the same meaning, such as night, dark night, barren black, barren, burnt and dark, razed to the ground, abandoned and deserted, and harvested and picked. Two narratives were also mentioned, one of which became the basis for some commentators and translators. In this study, the analytical method and historical-comparative linguistics are used to determine the causes of the different meanings of this word and to present the correct meaning. The study of the Semitic lexical sources and the course of the commentaries and the analysis of the narratives show that the lexicographers and commentators did not accurately determine the meaning of the word. The abundance of word meanings in the sources used by the commentators and translators is involved in this matter. According to the original meaning of this word, namely: cutting and cutting off the fruit of the tree, the suggested meaning is “to pick.” The Jāhili literature, the lexicons, the evidence of the Semitic languages and the context also confirm this.

Cite this article: Hemati, M. A., Abdollahipour, M., & Keshavarzi, W. (2023). Historiographical Analysis of the Quranic Word “Sarīm” in the Verse “Fa 'Asbahat ka al-Sarīm” in Early, Late and Contemporary Exegetical and Translational Sources. *Quranic Researches and Tradition*, 56 (1), 169-190. DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2023.351814.670101>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2023.351814.670101>



واکاوی پیشینه‌شناسی واژه قرآنی «صریم» در آیه «فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ» در منابع متقدم و متأخر و معاصر تفسیری و ترجمه‌ای

محمدعلی همتی^۱ | مهدی عبداللّهی پور^۲ | وفادار کشاورزی^۳

۱. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، شیراز، ایران. رایانامه: hemmti@quran.ac.ir

۲. استادیار، گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران، رایانامه: abdollahi@quran.ac.ir

۳. استادیار، گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، شیراز، ایران. رایانامه: keshavarz@quran.ac.ir

| اطلاعات مقاله | چکیده |
|---|--|
| نوع مقاله: مقاله پژوهشی | |
| تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷ | |
| تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷ | |
| تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵ | |
| تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۳۰ | |
| کلیدواژه‌ها: ترجمه‌های فارسی و لاتین، سوخته، شب تاریک، صریم، میوه چیده شده. | <p>«صریم» در آیه «فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ»، از واژگانی است که مترجمان فارسی و لاتین و مفسران، معنای واحدی از آن ارائه نداده‌اند؛ معانی شب، شب تاریک، بایر سیاه، بی‌ثمر، ریگزار، سوخته و تاریک، با خاک یکسان شده، متروک و ویران، دروشده و چیده شده، دو روایت نیز آمده که یکی مبنای برخی مفسران و مترجمان گردیده است. این پژوهش با روش تحلیلی و رویکرد زبان‌شناسی تطبیقی تاریخی با هدف دست‌یابی به علل اختلاف معانی این واژه و ارائه معنای صواب صورت پذیرفته است. بررسی منابع لغوی سامی و سیر تفاسیر و تحلیل روایات، نشان می‌دهد که واژه پژوهان و مفسران در معنای آن دقت نداشته‌اند. فراوانی معناهای واژه در منابع مورد استفاده مفسران و مترجمان در این امر دخیل است. باتوجه به معنای اصلی این واژه که عبارت است از: قطع، بریدن و قطع کردن میوه درخت؛ معنای پیشنهادی «چیده شده» است. ادبیات جاهلی، معاجم، شواهد زبان‌های سامی و سیاق، مؤید آن است.</p> |
| استناد: همتی، محمدعلی، عبداللّهی پور، مهدی، و کشاورزی، وفادار (۱۴۰۲). واکاوی پیشینه‌شناسی واژه قرآنی «صریم» در آیه «فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ» در منابع متقدم و متأخر و معاصر تفسیری و ترجمه‌ای. پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۵۶ (۱)، ۱۶۹-۱۹۰. | |
| ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان. | |



۱. مقدمه

یکی از آیاتی که مترجمان و مفسران در معنا و تفسیر آن اختلاف نظر داشته‌اند، آیه ۲۰ سوره قلم است. آنچه موجب اختلاف گردیده، معنای دقیق واژه «صریم» در این آیه است. خداوند در این آیه می‌فرماید: «فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ». این آیه در سیاق آیاتی قرار دارد، که ثروتمندان زمان پیامبر اکرم (ص) را با ذکر داستان صاحبان باغی که دل‌خوش به مال و میوه‌های درختان باغ بوده و قصد داشتند، فقرا را از محصول باغ محروم کنند، خداوند نیز در یک شب بلایی نازل کرد و میوه‌های باغ نابود شد.

در ترجمه‌ها و تفاسیر، معانی متعددی برای این واژه ارائه گردیده‌است. احتمالاً تمامی این معانی نمی‌توانند صحیح باشند. برای خوانندگان در مواجهه با این معانی، سؤالات گوناگونی پیش می‌آید که در ادامه به برخی از سؤالات اشاره و تلاش می‌شود پاسخی درخور به آن‌ها داده شود. دو روایت نیز که حامل این معانی متفاوت است، در منابع روایی و تفسیری فریقین نقل شده، که بررسی سندی و دلالتی آن‌ها ضرورت دارد.

در پژوهش پیش‌رو به منظور یافتن علل اختلاف معانی «صریم» ابتدا تحلیل ادبی واژه صورت می‌پذیرد؛ سپس سیر تاریخی معنای واژه در تفاسیر از قرن دوم تا معاصر کنکاش می‌شود. در اثنای بررسی تفاسیر، دو روایتی که حامل معانی «صریم» است، مورد نقد و تحلیل قرار می‌گیرد. بعد از این مرحله، ترجمه‌های فارسی و لاتین از آیه ارائه و در نهایت به ترجمه پیشنهادی ختم می‌گردد.

مهمترین سؤال این پژوهش عبارت است از اینکه علت اختلاف مترجمان در ترجمه واژه «صریم» چیست؟ پاسخ این سؤال منوط به پاسخ سؤالات ذیل است. دیدگاه واژه‌پژوهان در معنای «صریم» چیست؟ باتوجه به معانی متعدد واژه‌پژوهان از واژه، آیا می‌توان به‌قدر متیقن رسید؟ آیا این واژه یا مشتقات آن در ادبیات جاهلی وجود داشته است؟ اگر پاسخ مثبت است، آیا بین معنای قرآنی واژه با کاربرد جاهلی آن قرابت و مشابهت وجود دارد؟ آیا مستند روایی در معنای «صریم» وجود دارد؟ و اگر پاسخ مثبت است کدام روایت مرجح است؟ مفسران قرآن در ادوار مختلف در معنای «صریم» بیشتر تحت تأثیر ادبیات جاهلی، دیدگاه واژه‌پژوهان یا روایات قرار گرفته‌اند؟ آیا این واژه در دیگر زبان‌های سامی وجود دارد؟ اگر این چنین است، می‌تواند در معناشناسی واژه به کمک آید؟ لازم به ذکر است، که در انتخاب ترجمه‌ها سعی گردیده مهم‌ترین ترجمه‌های فارسی و لاتین انتخاب و بررسی شود.

۲. پیشینه

در باره پیشینه بحث علاوه بر دیدگاه‌هایی که مفسران ذیل این آیه ارائه داده‌اند، پژوهش‌های دیگری نیز صورت گرفته‌است. از جمله مقاله «واژگان چندمعنا و اهمیت آن در ترجمه قرآن کریم» نوشته محمود شهبازی و علی اصغر شهبازی که در آن تعدادی از واژگان چندمعنا از جمله «صریم» مورد

بررسی واقع شده‌است؛ واژگانی که مترجمان همواره در برگردان آن‌ها یکدست نبوده و گاه، معانی متفاوت از یکدیگر انتخاب نموده‌اند. نویسندگان این مقاله ریشه‌شناسی واژگان، بررسی متون تفسیری و نقش سیاق را به‌عنوان راهکاری برای ترجمه دقیق این واژگان ارائه داده‌اند. مقاله دیگر «داستان اصحاب الجنة (صاحبان باغ) در قرآن کریم» نوشته محمدعلی رضایی کرمانی و محسن رجبی قدسی است. نویسندگان در این مقاله اختلاف در چگونگی معنای واژه‌ها و عبارت‌های «لایستنون»، «طائف» و «الصريم» را موجب اختلاف‌نظرها در تفسیر این داستان دانسته‌اند.

مقاله حاضر با آثار یادشده از چند جهت متمایز است؛ یکی از این جهت که سیر تاریخی این واژه در منابع لغوی و همچنین در سه عصر جاهلی، مخضرمین و اسلام بررسی گردیده؛ دیگر اینکه، سیر تاریخی واژه در تفاسیر قرن دوم تا عصر حاضر نیز مورد مذاقه واقع شده؛ و نهایتاً بررسی آن در زبان-های سامی که به شناسایی معنای صواب کمک می‌کند.

۳. «صریم» در لغت

فراهیدی ماده «ص ر م» را بریدن ریسمان یا شاخه درخت معنا کرده و زمان بریدن شاخه درخت خرما «صرام» گفته شده‌است (فراهیدی، ۱۲۰/۷). ابن فارس برای «ص ر م» یک اصل قائل است، که به معنای بریدن می‌باشد (ابن فارس، ۳۴۵/۳). مصطفوی اصل واحد در این ماده را نه مطلق جداساختن و نه مطلق بریدن، بلکه جداساختن همراه با بریدن می‌داند (مصطفوی، ۲۳۵/۶).

«صریم» در نظر واژه‌پژوهان به سه معنای تصمیم قطعی، توده ریگ و شب آمده‌است (فراهیدی، ۱۲۰/۷؛ ابن فارس، ۳۴۵/۳). خاستگاه دو معنای اول، ادبیات پیش از اسلام و معنای سوم ادبیات بعد از اسلام است. واژه‌پژوهان در وجه تسمیه «صریم»، به توده ریگ اشاره‌ای نداشته‌اند؛ در حالی که، «صریم» را به معنای شب از آن جهت که شب از روز بریده و جدا می‌شود، آورده‌اند (ابن درید، ۷۴۴/۲). مصطفوی مراد از «صریم» را مطلق گیاهی می‌داند، که از ریشه خود جدا شده، به‌طوری که از حیات، سرسبزی و استفاده ساقط شده‌باشد (مصطفوی، ۲۳۵/۶).

۴. در ادبیات جاهلی، مخضرم و دوره اسلامی

در ادبیات جاهلی از ماده «ص ر م» مشتقات صریم، صریمه، صارم، صرماء و صرمه به کار رفته‌است. اینک مصادیق و معانی مشتقات ذکر شده بیان می‌شود:

۴. ۱. «صریم»، یکی از پربسامدترین مشتقات «ص ر م» در شعر جاهلی است، که در دو معنا

آمده‌است:

الف) تصمیم قطعی بر انجام کاری. این معنا در شعر امرؤالقیس این گونه است:
 أَمَاوِيَّ هَلْ لِي عِنْدَكُمْ مِنْ مَعْرَسٍ أَمْ الصَّرْمُ تَخْتَارِينَ بِالْوَصْلِ نِيَّاسٍ
 أَيِّنِي لَنَا، إِنَّ الصَّرِيمَةَ رَاحَةٌ مِنْ الشَّتْكَ ذِي الْمَخْلُوجَةِ الْمُتَلَبِّسِ

(امرؤالقیس، ۸۷)

ای ماویه! آیا نزد شما جایگاهی دارم یا به‌جای وصال، بریدن را اختیار می‌کنی و ما را نا امید می‌سازی؟ برای‌مان آشکار بگو، زیرا تصمیم قطعی ما را از شک می‌رهاند؛ شکی که همچون تیرهایی از چپ و راست، نهانی بر ما وارد می‌شود.

(ب) تل ریگزار. عنتره بن شداد این معنا را برای واژه «صریم» در بیت زیر آورده‌است:

سَرَقَ الْبَدْرُ حُسْنَهَا وَاسْتَعَارَتْ سِحْرَ أَجْفَانِهَا طِبَاءُ الصَّرِيمِ (العسبی، ۱۶۶)

ماه زیبایی وی را ربوده و آهوان ریگزار جادوی چشمان‌شان را از مژگان او به عاریت گرفته‌اند.

۴.۲. صارم از دیگر مشتقات «ص ر م» که به معنای شمشیر از این جهت که بُرنده است، در

شعر عنتره بن شداد توصیف شده‌است:

فَمَا لِي أَرْضَى الدَّلَّ حَطًّا وَصَارِمِي جَرِيءٌ عَلَى الْأَعْنَاقِ غَيْرُ كَهَامِ (همان، ۱۷۱)

مرا چه شده که به خواری تن می‌دهم؛ در حالی که، شمشیر برانم برای بریدن گردن‌ها بی‌باک است و وامانده نیست.

۴.۳. واژه صرماء از ماده «ص ر م» به دو معنا در اشعار جاهلی به‌کار رفته‌است؛ یکی به معنای

زمین بی‌آب و گیاه؛ دیگری هم به معنای شتر کم شیر. در معنای زمین بی‌آب و گیاه زُهیْزُبُنُّ

أَبِي سُلْمَى چنین سروده‌است:

وَبَيْدَاءَ تَيْهٍ تَحْرَجُ الْعَيْنُ وَسَطْهَا مُحَقَّقَةٌ غَبْرَاءَ صَرْمَاءَ سَمَلَقِ (ابن‌ابی‌سلمی، ۷۱)

چه‌بسیار، بیابان‌های سراب‌گونه، غبارآلود و بی‌آب و علف که انسان در آن سرگردان می‌شد و

چشم، قدرت دید نداشت.

و در معنای شتر کم شیر، عروۀُ بِنُ الْوَرْدِ الْعَسِيّیِّ این‌گونه گفته‌است:

وَمُسْتَنْبِتٌ فِي مَالِكٍ، الْعَامِ، إِنِّي أَرَاكَ عَلَى أَقْتَادِ صَرْمَاءَ مُذَكِّرِ (ابن‌الورد، ۶۸)

امسال در ملک و دارایی خودت بمان (به جنگ مرو)، زیرا من از هم اکنون تو را بر چوب پالان

شتری کم‌شیر، که فرزند ذکور می‌زاید، می‌بینم (تو را در خطری عظیم می‌بینم).

۴.۴. واژه صِرْمَه که جمعش صِرْم است، به معنای پاره‌های ابر در شعر نابغه ذبیانی به این صورت

آمده‌است:

وَهَبَّتِ الزَّبْحُ مِنْ تَلْقَاءِ ذِي أُزْلِ تَزْجِي مَعَ اللَّيْلِ مِنْ صُرَادِهَا صِرْمَا (الذبیانی، ۱۱۲)

شب هنگام، از جانب منطقه ذی‌ارل بادی وزید، که پاره‌های ابر بی‌آب را با خود می‌راند.

به طوری که ملاحظه گردید، مشتقات «ص ر م» در اشعار جاهلی در چند معنا آمده‌است، که

قرابت برخی متصور و برخی دیگر قرابتی ندارند. معنای تصمیم قطعی برای «صریم» با تل ریگزار

برای همین واژه هیچ قرابتی ندارد؛ درحالی که، صارم به معنای شمشیر بران با «صریم» به معنای

تصمیم قطعی قرابت دارد. یا صرماء در معنای زمین بی‌آب و گیاه با شتر کم‌شیر، کمترین قرابت را

دارند؛ از این جهت که، کمبود، وجه مشترک هر دو است؛ ولی این دو معنا، هیچ قرابتی با تصمیم

قطعی و تل ریگزار ندارد و نهایتاً صرمه به معنای پاره‌های ابر با هیچ‌کدام از معانی فوق قرابتی ندارد.

۴. ۵. تمامی معانی فوق در اشعار مخضرمین به کار رفته؛ به علاوه، یک معنا به واژه‌ی صرم و صِرْمَةٌ اضافه گردیده و آن معنای گروه و جماعت است. حسان بن ثابت در بیت زیر صرم را به این معنا آورده است:

وَصِرْمٌ مِنَ الْأَخْيَاءِ عَمْرُو بْنُ مَالِكٍ إِذَا مَا غَدُوا كَانَتْ لَهُمْ عَزَّةُ النَّصْرِ (ابن الأثير، ۱/۶۶۲)

جماعتی از قبایل، گروه عمرو بن مالک است، که اگر بامدادان به قصد جنگ خارج شوند، شرف پیروزی از آن آنان است.

۴. ۶. در دوره اسلامی نیز تمامی مشتقات فوق با معانی مذکور ذکر شده است، جز اینکه یک معنا برای «صریم»، در این دوره ظاهر شده و آن معنای شب تاریک است، که برای نخستین بار، در شعر عصر بنی امیه به کار رفته است. عُبَيْدَالله بن الرُّقَيْيَات چنین سروده است:

لَا يَرَانَا مِنَ الْبَرِّيَّةِ إِنْسًا نُنَّ عَلَيْنَا مِنَ الصَّرِيمِ رَوَاقُ (الرقيات، ۴۱)

هیچ کدام از مردم ما را نمی بینند، زیرا بر ما سراپرده‌ای از شب تاریک قرار دارد.

به طوری که ملاحظه گردید، دو معنای جدید برای مشتقات این واژه در عصر مخضرمین و دوره اسلامی ظهور یافت؛ یکی گروه و جماعت در عصر مخضرمین و دیگر شب تاریک در عصر اسلامی.

۵. صرم در زبان‌های سامی

این ماده در برخی شاخه‌های زبان سامی موجود و برخی فاقد آن هستند. از شاخه‌های شمالی اکدی (Miguel, 1962) و از شاخه‌های جنوبی حبشی (Dillmann) فاقد این ماده هستند؛ ولی در شاخه‌های ذیل وجود دارد، که گزارشی از آن ارائه می‌شود:

در زبان عبری و آرامی این ماده به معنای بریدن و قطع کردن است (zammit, 254). نکته قابل توجه اینک، این ماده در عهد عتیق عبری و ترگوم آرامی هیچ کاربردی نداشته است.

در زبان سریانی معادل «صرم» ماده‌ی «صِ صِرْم» (srm) به معنای قطع کردن و بریدن است (costaz, 305). بین اسمیت دو معنا برای این ماده آورده است: یکی بریدن و قطع کردن و دیگری عزم و تصمیم قطعی (Margoliouth, 485). این دو معنا دقیقاً با برخی شواهد ادبیات جاهلی و معنای اصلی این ماده نزد واژه‌پژوهان عرب یکسان است. اسمیت در مصادیق بریدن به بریدن شاخه درخت اشاره کرده، همان معنایی که واژه‌پژوهان عرب آورده‌اند. متناً نیز همین دو معنا را برای این ریشه آورده برای قطع، عبارت المقاطعه بعد المواصله را ذکر کرده است (متناً، ۵۲۴)

واژه‌پژوهان زبان‌مندائی برای ماده «ص ر م» مدخلی ذکر نکرده‌اند (macuch, 1963)، اما ماده «ص ر ی» در معاجم مندائی، مدخلی دارد، که از نظر ساختار و معنا با «ص ر م» شباهت دارد. توضیح اینک، دو حرف اول این دو ماده یکی است و تفاوت، فقط در حرف سوم است. باتوجه به این که در زبان‌های سامی تغییر برخی حروف و جایگزینی آن‌ها معمول بوده (رک: موسکاتی و همکاران؛ oleary) لیکن در جایگزینی حرف «م» به «ی» شواهدی یافت نشد. می‌توان احتمال داد،

گوبش مناطق مندائی به این صورت بوده است. آنچه این احتمال را تقویت می‌کند، معانی این واژه در زبان مندائی است. «ص ر ی» در مندائی به معنای بریدن، قطع کردن است (macuch, 206). نکته قابل توجه اینکه، «ص ر ی» مندایی، دقیقاً با «ص ر ی» عربی در ساختار و معنا یکسان است (ابن منظور، ۴۵۷/۱۴). حال این سؤال پیش می‌آید، چه قرابتی بین این دو واژه است؟ آیا صری و صرم به معنای قطع کردن با شباهت ساختاری، این فرض را متبادر نمی‌کند، که یکی اصل و دیگری اشتقاق از آن است؟ ضمن اینکه، از هر دو ماده در قرآن به کار رفته است: به طوری که، خداوند می‌فرماید: «فَصُرُّهُنَّ إِلَيْكَ» (و آن‌ها را قطعه قطعه کن) (البقره: ۲۶۰). ابن منظور، هرچند «صُر» را در این آیه از ماده «ص و ر» دانسته، اما از التهذیب نقل می‌کند که این واژه با قرائت «صر» از ماده «ص ر ی» است. همچنین «ص ر ی» به معنای عزم ثابت و قطعی نیز آمده است (همان، ۴۶۰). ابن منظور، برای این معنا حدیث ابی‌سَمَّالِ اسدی را شاهد می‌آورد که نقل کرده: «...و قال: عَلِمَ رَبِّي أَنَّهَا مَنِي صِرِّي» یعنی قصد راسخ و قاطع (همان). این معنای «صری» که با معنای اصلی «صرم» یکی است، احتمال اشتقاق این دو ریشه را تقویت می‌کند. موضوع اشتقاق این دو ماده را هیچ‌یک از واژه‌پژوهان ذکر نکرده‌اند.

از شاخه جنوبی در حبشی ماده «صرم» وجود ندارد، اما در زبان سبئی ماده «صرو» (sfw) به معنای قطع و قلع آمده است (beeston, 145) آنچه درباره صری در مندائی گفته شده، برای این واژه نیز محتمل است. ضمن اینکه، احتمال دیگر، برگشت اختلاف صری و صرو، به لهجه یا زبان می‌باشد.

۶. دیدگاه مفسران

بعد از بررسی ماده «ص ر م» در زبان‌های سامی، اینک معنای «صریم» در برجسته‌ترین تفاسیر سده‌های نخست تا معاصر بررسی می‌شود.

معنای «صریم» در تفاسیر قرن دوم تا عصر معاصر عبارتند از:

سیاهی ای همچون شب - شب سیاه - قطع (جدا) شده - صبح - بی‌ثمر شده (فاقد محصول) - خاکستر سیاه - سوخته و به آتش کشیده شده - از بین رفتن نیکویی - نام سرزمینی در یمن. هر یک از مفسران سده‌های گوناگون، بنابر مستندات و یا یافته‌های تفسیری خویش، واژه «صریم» را به گونه‌ای تفسیر نموده‌اند، که گزارشی از نظریات ایشان ارائه می‌شود:

۶-۱. تفاسیر قرن دوم

مقاتل بن سلیمان (متوفای ۱۵۰ ق) در تفسیرش ابتدا «صریم» را نام آن باغ دانسته و سپس آن را به سیاهی همچون شب تفسیر کرده است (مقاتل، ۴۰۵/۴)؛ فزا (متوفای ۲۰۷ ق) در معانی القرآن نیز مانند مقاتل، «صریم» را شب تاریک معنا کرده است (فزا، ۱۷۵/۳). یعنی آن باغ، صبح‌گاهان به مانند شب سیاه شد!

ابوعبیده (متوفای ۲۰۹ق) در مجازالقرآن، معنای «قطع (جدا) شدن» را برای واژه «صریم» پذیرفته است (ابوعبیده، ۱۳۵/۲)؛ وی در آغاز، قطع (جدا) شدن شب [از روز] را برای این واژه ارائه نموده و سپس، آن را به ریگزاری تفسیر کرده، که از ریگزاری بزرگ، قطع (جدا) شده باشد (همان). عبدالرزاق صنعانی (متوفای ۲۱۱ق) صرفاً به بیان حکایت (شأن نزول) مربوط پرداخته و هیچ‌گونه اشاره‌ای به تفسیر واژه مورد بحث ننموده است (صنعانی، ۲۴۷/۲)!

از چهار مفسر فوق‌مقال در قرن دوم و بقیه در دهه اول قرن سوم می‌زیستند، که با اغماض ناچیزی همگی متعلق به قرن دوم هستند. با این وجود، معنای‌شان از «صریم»، گوناگون بوده و حتی مفسر اخیر (صنعانی) اصلاً به تفسیر این آیه نپرداخته است! شاید این دلالت بر آن باشد، که معنای دقیق این واژه برای این دسته از مفسران روشن نبوده! مبنای تفسیری آن دسته از مفسران، که «صریم» را شب ترجمه کرده‌اند، ادبیات پس از اسلام است و احتمالاً معنای شب برای «صریم» به جهت آیه قبل است، که می‌فرماید: «وَهُمْ نَائِمُونَ» (القلم: ۱۹) (در حالی که همه در خواب بودند)، لذا به قرینه نائمون، صریم را شب معنا کردند؛ در حالی که، این معنا در ادبیات جاهلی و زبان سامی وجود ندارد. ضمن اینکه، صنعانی «صریم» را معنا نکرده؛ که شاید سبب آن، مسجل نبودن این معنای از واژه «صریم» نزد وی بوده است. به‌علاوه، به‌نظر می‌رسد، معنای ریگزار -که از سوی ابوعبیده برای «صریم» ارائه شده- براساس ادبیات جاهلی است؛ هرچند، در جای خود با ابهام‌هایی نیز همراه می‌باشد، که در بخش ترجمه‌ها اشاره می‌شود. در هر حال، در قرن دوم، مفسران معنای واحدی از «صریم» ارائه نداده و این نشان از اختلاف نظر میان آن‌ها دارد.

۶-۲. تفاسیر قرن سوم و چهارم

ابن قتیبه (متوفای ۲۷۶ق)، «صریم» را به سیاه سوخته‌ای مانند شب معنا کرده و سپس می‌افزاید: که به روز نیز «صریم» گویند؛ از این جهت که، هرکدام از شب و روز از یکدیگر جدا می‌شوند (ابن قتیبه، ۴۰۹/۲). وی برای پیوند این معنا با آیه مورد بحث، قولی را بیان می‌کند که گفته شده صبح بر آن باغ عارض شد، در حالی که، ثمر و محصول آن از بین رفته و نابود شده بود (همان). ابن قتیبه، افزون بر تفاسیر قرن دوم، دو معنای دیگر، بر مجموعه معنای این واژه افزوده است: یکی معنای روز و دیگری معنای از بین رفتن محصول. با تسامح می‌توان میان معنای اخیر و صرماء به معنای زمین بی‌آب و علف که در ادبیات جاهلی آمده، قرابت برقرار کرد.

طبری (متوفای ۳۱۰ق) بیان می‌کند که اهل تأویل در معنای «صریم» اختلاف نظر دارند. وی می‌گوید: برخی «صریم» را شب سیاه معنا کرده؛ برخی دیگر آن را سوخته سیاه‌شده مانند شب تاریکی که چیزی در آن درک نمی‌شود، معنا کرده؛ دسته سوم «صریم» را سرزمینی به نام صروان (یا صروان) در یمن معرفی نموده که تا صنعا، ۶ مایل فاصله دارد (طبری، ۲۰/۲۹). طبری برای قول اول یعنی شب، فقط یک روایت از ابن عباس نقل کرده است. ضمن اینکه، ابن عباس نیز برای اثبات مدعای خویش، به این بیت از ابوعمر بن علا تمسک جسته:

ألا بکرت و عاذلتی تلومُ تهجدنی و ما انکشف الصریم

آگاه باش! که معشوقه‌ام آمد، در حالی که، سیاهی شب برطرف نشده بود؛ در وقتی که ملامت‌کننده من، مرا سرزنش کرده و از آمدن او مایوسم می‌کرد! (همان، ۲۰). طبری برای «صریم» به معنای سروان نیز تنها، به یک روایت از سعید بن جبیر استناد نموده است.

در رابطه با روایت طبری باید گفت: روایت نخست، موقوف و مفرد و روایت دوم هم مقطوع و مفرد است؛ لذا ظاهراً هیچ کدام از این روایات به معصوم نمی‌رسد. از این رو، معنای عصر اسلامی «صریم» در دیدگاه طبری نیز تحت تأثیر معنای این واژه در ادبیات عصر جاهلی قرار گرفته است. در رابطه با معنای سروان نیز باید پرسید اصولاً «صریم» به این معنا، چه ارتباط معنایی‌ای با آیه مورد بحث دارد؟ آیا سروان برای اعراب معروف بوده و آن را می‌شناختند؟ آیا حادثه‌ای برای سروان اتفاق افتاده که موجب عبرت بوده و آیه باغ را به صریم تشبیه کرده است؟ مفسران در این باره چیزی نگفته‌اند. نکته قابل توجه اینکه، طبری در جمع روایات تفسیری کوشش فراوان دارد و تلاش می‌کند روایتی را از دست ندهد؛ اما ذیل این آیه فقط یک روایت از ابن عباس آورده، که به معنای رایج اشاره دارد و این دلیل بر آن است، که یا روایاتی در این باره صادر نشده یا اگر صادر شده نقل نشده است؛ که مورد نخست، محتمل‌تر به نظر می‌رسد. مهمتر اینکه، طبری در اختیار معنای صواب که غالباً دأب وی است، سکوت کرده! و این نشان می‌دهد که این معنا برای وی قطعی نبوده است.

قمی نیز در تفسیر خود «صریم» را به معنای سوخته و به‌آتش کشیده معنا کرده است (قمی، ۳۸۲/۲).

افزون بر این، سمرقندی (متوفای ۳۹۵ق) در اواخر سده چهارم هجری در تفسیر بحرالعلوم، ضمن پذیرش معنای شب سیاه برای واژه «صریم»، از قتی چنین نقل می‌کند، که: ««صریم» از اسمای اعداد است؛ چه اینکه، شب را «صریم» و صبح را نیز «صریم» می‌نامند؛ چرا که شب از روز و روز از شب منصرم می‌شود. نیز گفته شده که «صریم» یعنی از بین رفتن هرآنچه در آن بود». (سمرقندی، ۴۸۳/۳).

در این عصر مفسران دیگری نیز می‌زیستند، که سخنی در معنای «صریم» بیان نکرده‌اند (نک: فرات کوفی متوفای ۳۰۷ق و تستری متوفای ۲۸۳ق).

از مجموع مطالب پیش گفته، می‌توان دریافت، در قرن سوم و چهارم علاوه بر معنای سده دوم، معناهای نوینی برای واژه «صریم» صریم، بیان شده که عبارتند از: سوخته و به‌آتش کشیده شده، از بین رفتن محصول و سرزمینی در یمن.

۳-۶. قرن پنجم تا هشتم

در این چهار قرن دو معنای «چیده شدن و از دست رفتن محصول» و نیز «شب سیاه» بیشترین پذیرش را داشته است؛ به‌گونه‌ای که، پاره‌ای مفسران این دوران، فقط معنای فقدان محصول را پذیرفته و «صریم» را به معنای مصروم (مفعول) یعنی باغی که محصول (میوه) و نیکوبی‌اش از بین

رفته و شبیه شبی شده که جز سیاهی در آن پیدا نیست و شبیه روزی که جز خشکی و رمل چیزی در آن یافت نمی‌شود، تفسیر نموده‌اند (نک: بیضاوی، ۲۳۵/۵؛ ابن کثیر، ۲۱۴/۸). این‌گونه تفسیر، تلفیقی از معانی «صریم» در سده‌های پیشین است، به‌گونه‌ای که باغ معدوم‌المحصول، شب سیاه، روز و رمل در کنار هم آورده شده؛ درحالی‌که، «صریم»، یک معنا بیشتر ندارد. برخی دیگر، فقط معنای شب سیاه را پذیرفته و به آن باور نموده‌اند (نک: قشیری، ۶۱۹/۳). البته برخی نیز هر دو معنا را پذیرفته (نک: طوسی، ۸۰/۱۰) و حتی برخی معانی پیش‌گفته دیگر را نیز احتمال داده‌اند (نک: فخررازی، ۶۰۸/۳۰).

از ویژگی‌های تفاسیر این عصر، ظهور معناهای نوپدید برای «صریم» است، آن هم مستند به روایاتی که در منابع متقدم اثری از آن‌ها نیست. از جمله «صریم» به معنای خاکستر سیاه که به ابن عباس منتسب شده است (ابن عطیه، ۳۴۹/۵). ظاهراً ابن عطیه نخستین کسی است، که این نظر را بیان کرده است. این نظریه نیز طرفداران خاص خود را در این دوران (نک: طبرسی، ۵۰۶/۱۰) و حتی دوران پس از آن، پیدا کرد؛ به‌گونه‌ای که قرطبی (متوفای ۶۷۱ق) ضمن یادآوری سایر آرای تفسیری در این خصوص، همین نقل را از ابن عباس آورده است (نک: قرطبی، ۲۴۲/۱۸).

بیشتر بیان گردید، که با قلت روایات تفسیری برای آیه مورد بحث مواجه هستیم؛ اما در این قرن معانی «صریم» در برخی تفاسیر به تابعانی نسبت داده شده که در منابع قرون دوم تا چهارم یافت نمی‌شود! به‌عنوان نمونه، «صریم»، به معنای میوه چیده‌شده به جبایی؛ برطرف شدن نیکویی به حسن بصری؛ ریگزار (رمل) به مؤرج (نک: طبرسی، ۵۰۶/۱۰) انصرام شب و روز از یکدیگر به سفیان ثوری؛ جداشدن صبح از شب به اخفش؛ و خشکیدگی روز به مبرد (نک: قرطبی، ۲۴۲/۱۸) نسبت داده شده است.

۶-۴. قرن نهم تا دوران معاصر

سیوطی (متوفای ۹۱۱ق) ذیل آیه مورد بحث روایتی را از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که از مضمون آن چنین برداشت می‌شود، که «صریم» به معنای از بین رفتن نیکویی باغ است (سیوطی، ۲۵۳/۶). از تفاسیر روایی شیعیان در سده‌های متأخر حویزی (صاحب تفسیر نورالتقلین) و فیض کاشانی (صاحب تفسیر الصافی)، از ارائه معنای «صریم» سکوت کرده و فقط بحرانی صاحب تفسیر البرهان به بیان تفسیر این آیه پرداخته و ضمن پذیرش معنای سوخته و به‌آتش کشیده‌شده برای این واژه، روایت معروف ابن عباس را - که در آن «صریم» به شب سیاه تعبیر شده - نقل می‌کند. (نک: بحرانی، ۴۶۰/۵).

ابن عاشور (متوفای ۱۳۹۴ق) پس از نقل سه معنای شب، خاکستر سیاه و ریگزاری در یمن که چیزی در آن سبز نمی‌شود، برای واژه «صریم»، کاربست هریک از سه معنا را برای این واژه، صحیح دانسته است (ابن عاشور، ۷۷/۲۹).

علامه طباطبایی می‌گوید: باغ مانند درختی شد، که میوه‌اش را چیده باشند. و ممکن است به این معنا باشد، که آن باغ مانند شب تار سیاه شد، چون در اثر آتشی که خدا به سوی آن فرستاد، درختانش سوخت. و یا به این معنا باشد، که باغ مذکور مانند بیابانی ریگزار شد، که هیچ گیاهی در آن نمی‌روید و هیچ فایده‌ای بر آن مترتب نمی‌شود. علامه مانند ابن‌عاشور هر سه معنا را برای آیه مناسب می‌داند. معنای اول با معنای واژه‌پژوهان برای «صریم» مطابقت دارد و معنای سوم با ادبیات جاهلی.

صاحب تفسیر نمونه نیز درباره تفسیر واژه مورد بحث می‌نویسد: «صریم از ماده صرم به معنای قطع است؛ در اینجا به معنای شب ظلمانی یا درخت بدون میوه یا خاکستر سیاه است. به‌هرحال، منظور این است، که آنچنان بالای آسمانی که ظاهراً صاعقه عظیمی بوده در این باغستان فرود آمد، که تمام آن را یک‌جا آتش زد و چیزی جز مثنی زغال و خاکستر سیاه از آن باقی نماند. چه اینکه، صاعقه‌ها هرگاه به چیزی بزنند، همین‌گونه خواهد بود» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۳۹۵/۲۴). چنان‌که ملاحظه گردید مفسران دیدگاه‌های گونه‌گونی درباره معنای «صریم» ارائه داده‌اند، که برخی مبنای ادبیات جاهلی داشته، برخی مستند به روایت بوده و برخی هم برپایه نظر واژه‌پژوهان ارائه گردیده‌است. عده‌ای نیز به لوازم معنای اصلی «صریم» که قطع و بریدن باشد، توجه داشته‌اند. این اختلاف نظر مفسران در ترجمه‌های قرآن نیز بروز یافته که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۷. بررسی ترجمه‌ها

مترجمان فارسی، معانی ذیل را برای واژه «صریم» آورده‌اند:

شب سیاه، سیاه، خاکستری سیاه، چیده‌شده، خشک‌ستانی بی‌بر، بریده، صریم، باغی که چیزی نداشت، تیره و بی‌گیاه، آفت‌زده، بایر، سوخته و سیاه‌گردیده (ناظر بر صاعقه) و تل ریگزار. مترجمان لاتین نیز معانی ذیل را برای «صریم» آورده‌اند: سیاه، بایر، چیده‌شده، دروشده، متروک، بی‌ثمر، ویران‌شده، سوخته‌شده، با خاک یکسان‌شده. در ادامه، ابتدا جداول ترجمه‌های فارسی و سپس لاتین آمده و بعد از آن به تحلیل ترجمه‌ها پرداخته شده‌است.

جدول شماره ۱: ترجمه‌های فارسی

| معنا | نام مترجم |
|-----------------------|-------------------------|
| شب سیاه و ظلمانی | آدینه‌وند |
| سیاه | آیتی |
| باغ چیده | قرشی |
| خاکستری سیاه | ارفع |
| خاکستری سیاه | الهی قمشه‌ای |
| شبی تاریک (خاکستری) | انصاریان |
| خاکستر تیره | برزی |
| چیده شده | بروجردی |
| خشکستانی بی‌بر | پورجوادی |
| شب سیاه | حجتی |
| بریده | خسروی |
| قطع شده (خاکسترشده) | رضایی |
| شب تاریک | رهنما |
| چیده شده | روان جاوید |
| صریم | روض‌الجنان |
| شب تاریک | سراج |
| باغی که چیزی نداشت | شعرانی |
| چون شب تار سیاه | صفوی |
| باغی که چیزی نداشت | صفی‌علی‌شاه |
| چیده شده | صلواتی |
| خاک سیاه | طاهری |
| تیره و بی‌گیاه | عاملی |
| برچیده | فارسی |
| آفت‌زده (زمین بایر) | فولادوند |
| سوخته و سیاه شده | کاوپانپور |
| سوخته سیاه گردیده | گرمارودی |
| شب (سیاه) | مرکز فرهنگ و معارف قرآن |
| چیده شده سیاه و سوخته | مشکینی |

| معنا | نام مترجم |
|-----------------------------------|------------|
| تل از ریگ | مصباح‌زاده |
| شب تاریک (بریده) | معزی |
| شب سیاه و ظلمانی | مکارم |
| تل ریل بی‌گیاه یا مانند خاکستر | یاسری |
| زارعت بریده | دهلوی |
| شب تاریک سیاه انجیده، میوه بریده. | دهم هجری |
| شب سیاه درو نه نبات نه آب. | میبدی |
| سوخته و سیاه برنگ شب | نسفی |

جدول شماره ۲: ترجمه‌های انگلیسی

| معنا | نام مترجم |
|--|--|
| black, barren land | شاگر سیاه و بایر |
| it lay as if it had been !already harvested | ایروینگ خوابیده گویی دروشده |
| black Barren land | صفارزاده بایر سیاه |
| harvested field | قرایی درو شده |
| Plucked | پیکتال چیده شده |
| barren desert | سرور بیابان بی‌ثمر |
| harvested land/ isolated sandy area | محمد و سمیرا درو شده / شنزاری محصور |
| barren بی‌ثمر | مسلمانان مترقی |
| dark and desolate spot (whose fruit had been gathered) | یوسف علی تاریک و متروک، (جمع شده) |
| Plucked | آربری چیده شده |

جدول شماره ۳: ترجمه‌های آلمانی

| معنا | نام مترجم |
|---|-----------|
| verwusteten متروک | احمدیه |
| verwustet und schwarz aus wie die finstere Nacht متروک و سیاه مانند شب تاریک | الزهر |
| Abgeerntete درو شده | زیدان |
| verwustet ویران شده | محمد |
| abgeerntet درو شده | رودی پارت |
| abgeerntet درو شده | کوری |

جدول شماره ۴: ترجمه‌های فرانسوی

| معنا | نام مترجم |
|--|-----------|
| tout avait ete rase (ou, calcine, ou, comme la nuit somber) با خاک یکسان شده یا (سوخته شده یا شب تاریک) | فخری |
| tout avait ete rase درو شده | حمیداله |
| tout avait ete rase درو شده | ماسون |

۷-۱. تحلیل ترجمه‌ها

ظاهراً مبنای معنای شب برای «صریم» در ترجمه‌ها روایتی است، که طبری از ابن عباس نقل کرده است. پیش‌تر گفته شد، که آن روایت، موقوف و مفرد است. می‌توان احتمال داد که این معنا اجتهاد لغوی ابن عباس باشد. مؤید این ادعا عدم وجود چنین معنایی در ادبیات جاهلی و زبان‌های سامی است. مضافاً اینکه، روایت ابن عباس با روایتی دیگر که «صریم» را صروان بیان می‌کرد، در تعارض است. در میان مترجمان لاتین ترجمه آلمانی الأزهر و ترجمه فرانسوی فخری، شب را در معنای «صریم» آورده‌اند؛ با این تفاوت، که الأزهر باغ متروک و سیاه را مانند شب دانسته است، در حالی که، ترجمه مرجع فخری با خاک یکسان شده و در پراکنش شب سیاه را نیز آورده است. بی‌شک ترجمه الأزهر متأثر از تفاسیر است.

ظاهراً معنای سوخته و سیاه‌شده - که در ترجمه برخی از مترجمان و مفسران آمده - از این جهت است، که این گروه عذاب را صاعقه گرفته و آثار صاعقه را که سوختن و سیاه‌شدن است، در ترجمه بیان داشته‌اند. در این رابطه، باید گفت: آیات قرآن هیچ اشاره‌ای به نوع عذاب نکرده و براین اساس، عذاب را صاعقه دانستن، بدون دلیل است. در ترجمه‌های لاتین مذکور معنای سوخته را فقط در ترجمه فرانسوی فخری می‌بینیم، که در پرانتز آورده‌است. معنای سیاه نیز در برخی، صفت برای شب است؛ مانند ترجمه فرانسوی فخری، آلمانی ال‌زهر و در برخی صفت برای بایر آمده، مانند ترجمه انگلیسی شاکر و صفارزاده. در ترجمه‌های لاتین برخی به سیاه اشاره داشته، مانند ترجمه انگلیسی شاکر، آلمانی ال‌زهر، فرانسوی فخری که مورد اخیر در پرانتز است.

مترجمانی که «صریم» را بی‌بر، بی‌ثمر، خشکستان بی‌بر یا بی‌گیاه ترجمه کرده، ظاهراً توجه به کاربردهای ادبیات جاهلی داشته به طوری که، در معنای برخی مشتقات «ص ر م» این معانی آمده - بود، از جمله شعر زُهیْزُبُنُّ اَبی سَلْمی. در عین حال، معانی مذکور برای «صریم» در آیه، قابل تأمل است، از این جهت، که بی‌برشدن یا بی‌ثمرشدن در فرایند زمان مشخص می‌شود و اگر قرار است صاحبان باغ متوجه شوند، که باغشان بی‌بر و ثمر شده، باید در سال زراعی بعد به این موضوع پی ببرند؛ درحالی که، صاحبان باغ، شب را خوابیده و فردا قصد چیدن میوه را داشتند. اگر این مترجمان «صریم» را زایل شدنِ بر و ثمر درختان معنا کرده‌بودند - که دلالت بر زمان حال می‌داشت - به صواب نزدیک‌تر بود. در ترجمه‌های لاتین فقط مترجمان انگلیسی مانند شاکر، صفارزاده، سرور و مسلمانان مترقی این‌گونه ترجمه کرده‌اند.

مترجمانی که «صریم» را به معنای چیده‌شده یا بریده معنا کرده، عنایت به اصل معنای لغت داشته که واژه‌پژوهانی چون فراهیدی یا ابن فارس و ... قائل بر آن بودند. مؤید این معنا اشعار جاهلی و زبان سامی است. آربری و بیکتال از مترجمان انگلیسی زبان، «صریم» را چیده‌شده ترجمه کرده‌اند. معنای ریگزار برای «صریم» که برخی مترجمان بیان داشته، براساس کاربرد شعر جاهلی است. این معنا برای آیه مورد بحث نسبت به بقیه معانی بعیدتر است. باغی که مورد عذاب واقع گردد، به باغی سوخته، آفت‌زده، میوه‌هایش بریده و چیده‌شده متصورتر است، تا به باغی که تبدیل به ریگزاری شود. ضمن اینکه، مترجمان از این معنا استقبال نکرده و نشان از غیر محتمل بودن این معنا دارد. از ترجمه‌های لاتین فوق فقط ترجمه انگلیسی محمد و سمیرا ریگزار را به‌عنوان معنای دوم آورده‌است. ابوالفتوح رازی خود «صریم» را در معنا آورده‌است و این نشان می‌دهد که نزد وی معنای دقیق «صریم» محرز نشده بود!

گروهی نیز دو معنا یا بیشتر برای «صریم» آورده‌اند. مثلاً انصاریان علاوه بر شب تاریک در پرانتز خاکستری نیز آورده، یا رضایی معنای اصلی را قطع شده آورده و در پرانتز، خاکسترشده نیز معنا کرده - است. فولادوند معنای اصلی را آفت‌زده ترجمه کرده و در پرانتز، زمین بایر نیز آورده‌است. معزی

معنای اولی را شب تاریک و در پراتنز، بریده معنا کرده‌است. این نوع ترجمه‌ها دلالت بر آن است، که مترجم در انتخاب معنا مردد بوده؛ از این رو، در پراتنز معنای دیگری ذکر کرده‌است. برخی مترجمان نیز ترکیبی ترجمه کرده که هم نظر به لغت داشته و هم نظر به آثار صاعقه، مانند مشکینی که «چیده‌شده سیاه و سوخته» ترجمه کرده‌است. یا مانند یاسری که واژه را «تل ریگی بی‌گیاه» ترجمه کرده‌است، که این ترکیب ناظر به دو معنا در ادبیات جاهلی است. نکته قابل توجه در ترجمه‌های لاتین این است، که برخی مترجمان، «صریم» را درو ترجمه کرده‌اند. ترجمه‌ای که از سوی هیچ مترجم فارسی زبان ارائه نشده‌است! به نظر می‌آید، مترجمان لاتین از این ترجمه برداشت درستی نداشته‌اند؛ زیرا درو برای زراعت‌هایی مانند گندم، جو و برنج مرسوم است، که نیاز به خرمن دارد. واژه انتخابی مترجمان انگلیسی harvested است، که آن را درو یا خرمن و همچنین چیدن معنا کرده‌اند (حق‌شناس و همکاران، ۷۲۸). گرچه این واژه به معنای چیدن نیز آمده، ولی معنای اول آن را درو کردن آورده‌اند و ترکیب عبارات مترجمان، به گونه‌ای است که معنای درو برداشت می‌شود. مثلاً عبارت ایروینگ این گونه است: *it lay as if it had been already harvested!* یعنی آن خوابیده؛ گویی از قبل درو شده‌است. واژه *lay* به معنای خوابیده، اشاره به زراعت دارد نه درخت؛ از این جهت، که زراعت‌هایی مانند گندم و جو می‌خوابد نه درخت. یا در ترجمه محمد و سمیرا عبارت *harvested land* آمده است. واژه *land* به معنای زمین کشاورزی است نه درخت (همان، ۸۹۶). یا ترجمه قرایی عبارت *harvested field* است، که واژه *field* به معنای مزرعه و زمین زراعتی (همان، ۵۶۸) است نه باغ و درخت.

۸. معنای پیشنهادی

در رابطه با معنای واژه «صریم» چون موضوع باغ و درخت در میان است (القلم: ۱۷)، باید برای «صریم» معنایی اتخاذ شود، که با درخت مناسبت داشته‌باشد. به طوری که، ملاحظه گردید در معنای اصلی ماده «ص ر م» در زبان عربی و برخی شاخه‌های زبان سامی بریدن و قطع کردن و همچنین بریدن شاخه درخت یا جدا شدن میوه از درخت آمده‌بود؛ از این رو، معنا باید ناظر بر بریدن و قطع کردن و یا جدا شدن باشد و به هر وسیله‌ای که خداوند به باغ‌ها آسیب رسانده‌باشد، درختان باید شاخه‌های شان که مملو از میوه بوده آسیب ببینند و این با جدا شدن یا قطع شدن میوه‌ها از شاخه‌ها متصور است.

مسئله دیگر اینکه قرآن به نوع بلا اشاره نکرده که صاعقه، سرما یا آفات دیگر بوده‌است. حال این سؤال پیش می‌آید، اگر قرار است صاعقه‌ای با چنان شدتی بیاید که باغ‌ها را نابود کند، آیا مردم باز هم در خواب خواهند بود؟ و فردا با خیال راحت برای چیدن میوه‌ها روانه باغ‌ها می‌شوند! ضمن اینکه، صاعقه به یک‌باره برخورد می‌کند؛ نه اینکه به گردش درآید؛ درحالی که، قرآن در آیه قبل می‌فرماید: «فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ...» (القلم: ۱۹) (پس درحالی که، آنان غنوده‌بودند، بلایی

ازجانب پروردگارت بر آن [باغ] به گردش درآمد. ابن منظور طائف را به معنای شبگرد، پاسبان و خدمت‌کار آورده و از مجاهد نقل کرده که به معنای خشم و غضب است (ابن منظور، ۲۲۵/۹-۲۲۶). این معانی به فهم دقیق واژه کمک نمی‌کند، اما طبق این آیه بلا هرچه بوده در اطراف باغ‌ها به گردش درآمده‌است.

براساس معنای اصلی ریشه می‌توان احتمال داد، آسیب به‌گونه‌ای بوده که میوه‌ها از بین رفته و از درخت جدا شده‌بوده نه کل درختان؛ زیرا هدف صاحبان باغ این بوده که میوه را خود بچینند و به فقرا چیزی ندهند. چون در آیه ۲۴ می‌گوید: «مواظب باشید امروز حتی يك فقير وارد بر شما نشود». لذا آنچه می‌تواند آسیب باشد و به صورت گردش در باغ‌ها اتفاق بیفتد، سرما، حشرات، پرنده‌گان و امثال این‌ها که مستقیم به میوه آسیب می‌زنند می‌باشد. بنابراین معنای پیشنهادی ما برای «صریم»، «چیده‌شده» است.

معنای پیشنهادی با سیاق آیات نیز سازگاری بیشتری دارد، که مفسران و مترجمان به آن توجه نداشته‌اند. توضیح اینکه، از مصدر «ص ر م» در این سوره و در سیاق این موضوع سه مشتق به‌کار رفته؛ یکی «لَيَصْرِمُنَّهَا» در آیه: «إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ» (القلم: ۱۷) (ما آنان را همان‌گونه که باغداران را آزمودیم، مورد آزمایش قرار دادیم، آن‌گاه که سوگند خوردند، که صبح برخیزند و [میوه] آن [باغ] را حتماً بچینند). تمامی مترجمان و مفسران متفقاً «لَيَصْرِمُنَّهَا» را «بچینند» ترجمه کرده‌اند. مورد دوم «صریم» در آیه ۲۰ است، که بررسی آن گذشت و مورد سوم واژه «صارمین» در آیه «أَنْ اَعْدُوا عَلَى حَرْثِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَارِمِينَ» (القلم: ۲۲) (که اگر میوه می‌چینید، بامدادان به سوی کشت خویش روید). غالب مفسران و مترجمان برای این واژه معنایی آورده‌اند، که دلالت بر معنای چپنده می‌کند. باتوجه به اینکه، در سیاق آیات قبل و بعد آیه ۲۰ بحث چیدن میوه است، به چه دلیل باید از سیاق عدول و «صریم» را به معنای غیر از چیدن معنا کرد؟ از این‌رو، خداوند می‌فرماید آن باغ‌های میوه‌دار مانند باغ‌هایی گردیدند، که میوه‌های‌شان چیده شده‌باشد. حال، اینکه میوه چگونه از درختان جدا گردید، موضوعی است که آیات درباره آن سکوت کرده‌است، ولی قرائن نشان می‌دهد، هرچه بوده میوه‌ها را از بین برده نه درختان را؛ و براین‌اساس، ترجمه‌های شب، تاریک، سوخته، ریگزار، دروشده برای «صریم» در این آیه با سیاق سازگار نیست.

نتیجه‌گیری

ماده «ص ر م» در غالب شاخه‌های زبان سامی کاربرد داشته و معنای مشترک این ماده در این زبان‌ها، بریدن و جداکردن است. این معنا در ادبیات جاهلی به همین معنا و معانی دیگر به‌کار رفته - است.

غالب لغت‌شناسان عرب ماده «ص ر م» را به معنای بریدن و چیدن میوه، مخصوصاً چیدن خرما آورده‌اند.

یکی از مشتقات «ص ر م» واژه «صریم» است، که واژه‌پژوهان، مفسران و مترجمان قرآن در معنای آن اختلاف نظر داشته تا جایی که مفسران در ذیل آیه «فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ» قریب ۱۰ معنا بیان داشته‌اند.

معانی که مفسران برای واژه «صریم» ارائه داده‌اند، یا مبنای روایی دارد؛ مانند معنای شب که بر اساس روایت ابن عباس بوده و موقوف و مفرد است؛ یا مبنای ادبیات جاهلی، مانند بایر و بی‌گیاه و ریگزار و یا براساس منابع لغت است؛ مانند جداکردن یا چیدن میوه. برخی از معانی به لوازم معانی مذکور اشاره دارد؛ مانند سیاهی یا تاریکی که از لوازم شب است، یا ویرانی و متروک که از لوازم بایر و لم یزرع است.

هرگروه از مترجمان نیز به دنبال مفسران اسلامی، یکی از معانی مذکور را برای «صریم» انتخاب کرده‌اند. در این میان، «صریم» به معنای دروکردن از معانی جدیدی است، که برخی مترجمان لاتین ارائه داده‌اند.

براساس سیاق آیات و شواهد زبان‌شناسی تاریخی تطبیقی معنای چیدن میوه برای «صریم» در آیه «فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ» به صواب نزدیک‌تر به نظر می‌رسد.

منابع

قرآن کریم.

۱. آدینه‌وند لریستانی، محمدرضا؛ کلمة الله العلیا؛ ترجمه، تجزیه و ترکیب کلام الله؛ چاپ دوم؛ اسوه؛ ۱۳۹۳ ش.
۲. آیتی، عبدالمحمد؛ ترجمه قرآن؛ چاپ چهارم؛ تهران؛ سروش؛ ۱۳۷۴ ش.
۳. ابن ابی سلمی، زهیر؛ شرح حسن فاعور؛ بیروت؛ دارالکتب العلمیة؛ ط ۱؛ ۱۴۰۸ ق.
۴. ابن الأثیر، ابوالحسن علی بن محمد الجزری؛ الكامل فی التاریخ؛ بیروت؛ دار صادر؛ ط ۱؛ ۱۳۸۵ ق.
۵. ابن الورد، عروة؛ دیوان الشعر؛ شرح أسماء أبوبکر محمد؛ بیروت؛ دارالکتب العلمیة؛ ۱۴۱۸ ق.
۶. ابن درید، أبوبکر محمد بن الحسن الأزدي؛ جمهرة اللغة؛ تحقیق رمزي منیر بعلبکی؛ دار العلم للملایین؛ بیروت؛ ط ۱؛ ۱۹۸۷ م.
۷. ابن سلیمان، مقاتل؛ تفسیر مقاتل بن سلیمان؛ چاپ اول؛ بیروت؛ دار احیاء التراث العربی؛ ۱۴۲۳ ق.
۸. ابن عاشور، محمدطاهر؛ التحریر و التنویر؛ چاپ اول؛ بیروت؛ مؤسسه التاریخ العربی؛ ۱۴۲۰ ق.
۹. ابن عطیة، عبدالحق بن غالب؛ المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز؛ چاپ اول؛ بیروت؛ دار الکتب العلمیة؛ ۱۴۲۲ ق.

۱۰. ابن فارس، أحمد؛ معجم مقاییس اللغة؛ تحقیق عبد السلام محمد هارون؛ بیروت؛ دار الفکر؛ ۱۳۹۹ق.
۱۱. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم؛ تفسیر غریب القرآن؛ چاپ اول؛ بیروت؛ دار و مکتبه الهلال؛ ۱۴۱۱ق.
۱۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر؛ تفسیر القرآن العظیم؛ چاپ اول؛ بیروت؛ دار الکتب العلمیه؛ ۱۴۱۹ق.
۱۳. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ چاپ سوم؛ بیروت؛ دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع- دار صادر؛ ۱۴۱۴ق.
۱۴. ابوعبیده، معمر بن مثنی؛ مجاز القرآن؛ چاپ اول؛ قاهره؛ مکتبه الخانجی؛ ۱۳۸۱ق.
۱۵. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی؛ روض الجنان و روح الجنان؛ تصحیح محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح؛ چاپ اول؛ مشهد؛ آستان قدس رضوی؛ بنیاد پژوهش‌های اسلامی؛ ۱۳۷۵ش.
۱۶. ارفع، کاظم؛ ترجمه قرآن؛ چاپ سوم؛ تهران؛ فیض کاشانی؛ ۱۳۸۵ش.
۱۷. اشرفی تبریزی، محمود؛ ترجمه قرآن، جاویدان؛ چاپ چهاردهم؛ ۱۳۸۰ش.
۱۸. الهی قمشه‌ای، مهدی؛ ترجمه قرآن؛ آوای ماندگار؛ چاپ اول؛ ۱۳۹۹ش.
۱۹. امرؤالقیس؛ دیوان الشعر؛ ضبطه و صححه مصطفی عبدالشافی؛ بیروت؛ دارالکتب العلمیه؛ ط ۵؛ ۱۴۲۵ق.
۲۰. انصاریان، حسین؛ ترجمه قرآن کریم؛ تهران؛ سازمان دارالقرآن کریم؛ نشر تلاوت؛ ۱۳۹۳ش.
۲۱. بحرانی، سیدهاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن؛ چاپ اول؛ قم؛ مؤسسه البعثه؛ ۱۴۱۵ق.
۲۲. برزی، اصغر؛ ترجمه قرآن؛ چاپ اول؛ بنیاد قرآن؛ ۱۳۸۲ش.
۲۳. بروجردی، سیدمحمدابراهیم؛ تفسیر جامع؛ چاپ سوم؛ تهران؛ صدر؛ ۱۳۶۶ش.
۲۴. بیضاوی، ناصرالدین؛ انوار التنزیل و اسرار التاویل؛ چاپ اول؛ بیروت؛ دار احیاء التراث العربی؛ ۱۴۱۸ق.
۲۵. پابنده، ابوالقاسم؛ ترجمه قرآن، چاپ پنجم؛ سازمان انتشارات جاویدان؛ ۱۳۵۷ش.
۲۶. پورجوادی، کاظم، ترجمه قرآن؛ چاپ سوم؛ تهران؛ بنیاد دائرةالمعارف اسلامی؛ ۱۳۷۵ش.
۲۷. ترجمه قرآن قرن دهم؛ مترجم ناشناس؛ تصحیح علی رواقی؛ چاپ اول؛ تهران؛ فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ۱۳۸۳ش.
۲۸. تستری، سهل بن عبدالله؛ تفسیر التستری؛ چاپ اول؛ بیروت؛ دارالکتب العلمیه؛ ۱۴۲۳ق.
۲۹. تشکر آرنی، شهاب؛ ترجمه منظوم قرآن؛ چاپ اول؛ تهران؛ پگاه اندیشه؛ ۱۳۸۴ش.
۳۰. ثقفی تهرانی، محمد؛ روان جاوید در تفسیر قرآن مجید؛ برهان؛ چاپ سوم؛ ۱۳۸۶ش.
۳۱. حجتی، مهدی؛ گلی از بوستان خدا (ترجمه قرآن)؛ چاپ دهم؛ قم؛ بخشایش؛ ۱۳۸۴ش.

۳۲. حق‌شناس، علی محمد و همکاران؛ فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی - فارسی؛ چاپ پانزدهم؛ تهران؛ فرهنگ معاصر؛ ۱۳۸۸ش.
۳۳. حلبی، علی اصغر؛ ترجمه قرآن؛ چاپ اول؛ اساطیر؛ ۱۳۸۰ش.
۳۴. خسروانی، علیرضا؛ تفسیر خسروی؛ چاپ اول؛ تهران؛ کتاب‌فروشی اسلامیة؛ ۱۳۹۰ق.
۳۵. خواجوی، محمد؛ ترجمه قرآن؛ چاپ اول؛ انتشارات مولی؛ ۱۳۶۹ش.
۳۶. دهلوی، شاه‌ولی‌الله احمدین عبدالرحیم؛ چاپ سوم؛ تهران؛ احسان؛ ۱۳۹۴ش.
۳۷. الذبیانی، النابغة؛ دیوان الشعر؛ شرح عباس عبدالساتر؛ بیروت؛ دارالکتب العلمیة؛ ط ۳؛ ۱۴۱۶ق.
۳۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی و همکاران؛ ترجمه قرآن؛ چاپ اول؛ قم؛ مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر؛ ۱۳۸۳ش.
۳۹. الرقیات، عبیدالله بن قیس؛ دیوان الشعر؛ شرح محمد یوسف نجم؛ بیروت؛ دار صادر؛ ۲۰۰۹م.
۴۰. رهنما، زین العابدین؛ ترجمه قرآن؛ چاپ اول؛ تهران؛ سازمان اوقاف؛ ۱۳۵۴ش.
۴۱. سباتینو موسکاتی و دیگران؛ مدخل الی اللغات السامیه المقارنه؛ ترجمه مهدی المحزونی و عبد الجبار المطبی؛ بیروت؛ عالم الکتب؛ ۱۴۱۴ق.
۴۲. سراج، رضا؛ ترجمه قرآن؛ تهران؛ چاپ اول؛ سازمان چاپ دانشگاه؛ ۱۳۹۰ق.
۴۳. سمرقندی، نصر بن محمد؛ تفسیر بحر العلوم؛ چاپ اول؛ بیروت؛ دار الفکر؛ ۱۴۱۶ق.
۴۴. سیدجلال‌الدین، مجتبی؛ ترجمه قرآن؛ چاپ اول؛ تهران؛ حکمت؛ ۱۳۷۱ش.
۴۵. سیوطی، جلال‌الدین؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور؛ چاپ اول؛ قم؛ کتابخانه نجفی؛ ۱۴۰۴ق.
۴۶. شعرانی، ابوالحسن؛ قرآن مجید با ترجمه فارسی و خواص سور و آیات؛ چاپ اول؛ تهران؛ کتاب‌فروشی اسلامیة؛ ۱۳۷۴ش.
۴۷. صفارزاده، طاهره؛ ترجمه فارسی و انگلیسی قرآن؛ چاپ پنجم؛ قم؛ اسوه؛ ۱۳۹۴ش.
۴۸. صفوی، سیدمحمد رضا؛ ترجمه قرآن بر اساس المیزان؛ چاپ اول؛ قم؛ دفتر نشر معارف؛ ۱۳۸۸ش.
۴۹. صفی‌علی‌شاه، حسن؛ تفسیر صفی؛ چاپ اول؛ تهران؛ منوچهری؛ ۱۳۷۸ش.
۵۰. صلواتی، محمود؛ ترجمه قرآن؛ چاپ اول؛ تهران؛ مبارک؛ ۱۳۸۷ش.
۵۱. صنعانی، عبدالرزاق بن همام؛ تفسیر القرآن العزیز؛ چاپ اول؛ بیروت؛ دار المعرفه؛ ۱۴۱۱ق.
۵۲. طاهری قزوینی، علی‌اکبر؛ ترجمه قرآن؛ چاپ اول؛ انتشارات قلم؛ ۱۳۸۰ش.
۵۳. طباطبایی، سیدمحمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چاپ دوم؛ بیروت؛ مؤسسه الاعلمی للمطبوعات؛ ۱۳۹۰ق.
۵۴. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ چاپ سوم؛ تهران؛ ناصر خسرو؛ ۱۳۷۲ش.

۵۵. طبری، محمدبن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ چاپ اول؛ بیروت؛ دار المعرفه؛ ۱۴۱۲ق.
۵۶. طوسی، محمدبن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ چاپ اول؛ بیروت؛ دار احیاء التراث العربی؛ بی‌تا.
۵۷. عاملی، ابراهیم؛ تفسیر عاملی؛ تصحیح: علی اکبر غفاری؛ چاپ اول؛ تهران؛ صدوق؛ ۱۳۵۹ش.
۵۸. العبسی، عنتربن شداد؛ دیوان الشعر؛ شرح حمدو طمّاس؛ بیروت؛ دارالمعرفه؛ ط ۲، ۱۴۲۵ق.
۵۹. فارسی، جلال‌الدین؛ ترجمه قرآن؛ چاپ اول؛ تهران؛ انجام کتاب؛ ۱۳۶۹ش.
۶۰. فخررازی، محمدبن عمر؛ تفسیر مفاتیح الغیب؛ بیروت؛ چاپ سوم؛ دار احیاء التراث العربی؛ ۱۴۲۰ق.
۶۱. فراء نحوی، یحیی‌بن زیاد؛ معانی القرآن؛ چاپ دوم؛ قاهره؛ الهیئه المصریه العامه للکتاب؛ ۱۹۸۰م.
۶۲. فراهیدی، خلیل‌بن احمد؛ کتاب العین؛ قم؛ نشر هجرت؛ ۱۴۰۹ق.
۶۳. فولادوند، محمدمهدی؛ ترجمه قرآن؛ چاپ سوم؛ تهران؛ دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی؛ ۱۳۷۶ش.
۶۴. فیض‌الاسلام، سیدعلی‌نقی؛ ترجمه و تفسیر قرآن عظیم؛ چاپ اول؛ انتشارات فقیه؛ ۱۳۷۸ش.
۶۵. الفیومی، أحمدبن محمد؛ المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی؛ تحقیق عبدالعظیم الشتاوی؛ دار المعارف؛ القاهرة؛ ط ۲، لا تا.
۶۶. قرشی بنای، علی‌اکبر؛ تفسیر احسن الحدیث؛ چاپ سوم؛ تهران؛ بنیاد بعثت؛ ۱۳۷۸ش.
۶۷. قرطبی، محمدبن احمد؛ الجامع لاحکام القرآن؛ چاپ اول؛ تهران؛ ناصرخسرو؛ ۱۳۶۴ش.
۶۸. قشیری، عبدالکریم‌بن هوازن؛ لطائف الاشارات؛ قاهره؛ الهیئه المصریه العامه للکتاب؛ بی‌جا؛ ۲۰۰۰م.
۶۹. قمی، علی‌بن ابراهیم؛ تفسیر القمی؛ چاپ سوم؛ تهران؛ دارالکتاب؛ ۱۳۶۳ش.
۷۰. کاویان‌پور، احمد؛ ترجمه قرآن؛ چاپ سوم؛ انتشارات اقبال؛ ۱۳۷۸ش.
۷۱. کوفی، فرات‌بن ابراهیم؛ تفسیر فرات کوفی؛ چاپ اول؛ تهران؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ ۱۴۱۰ق.
۷۲. مرکز فرهنگ و معارف قرآن؛ ترجمه قرآن؛ چاپ اول؛ قم؛ بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)؛ ۱۳۸۵ش.
۷۳. مصباح‌زاده، عباس؛ ترجمه قرآن؛ بدرقه جاویدان؛ چاپ اول؛ ۱۳۸۰ش.
۷۴. موسوی گرمارودی، سیدعلی؛ ترجمه قرآن؛ چاپ دوم؛ تهران؛ قدیانی؛ ۱۳۸۴ش.
۷۵. مشکینی، علی؛ ترجمه قرآن؛ چاپ دوم؛ قم؛ انتشارات الهادی؛ ۱۳۸۱ش.
۷۶. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ چاپ اول؛ تهران؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ ۱۳۶۸ش.

۷۷. معزی، محمدکاظم؛ ترجمه قرآن؛ چاپ اول؛ قم؛ اسوه؛ سازمان اوقاف و امور خیریه؛ ۱۳۷۲ ش.
۷۸. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ چاپ دهم؛ تهران؛ دار الکتب الاسلامیه؛ ۱۳۷۱ ش.
۷۹. -----؛ ترجمه قرآن؛ چاپ دوم؛ قم؛ دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)؛ ۱۳۷۳ ش.
۸۰. میبدی، احمدبن محمد؛ کشف الاسرار و عدة الابرار؛ چاپ پنجم؛ تهران؛ امیرکبیر؛ ۱۳۷۱ ش.
۸۱. نسفی، عمر بن محمد؛ ترجمه‌ای کهن به فارسی موزون و مسجع به ضمیمه آیات قرآن؛ تصحیح عزیز الله جوینی؛ چاپ اول؛ تهران؛ سروش؛ ۱۳۷۶ ش.
۸۲. نوبری، عبدالمجید صادق؛ ترجمه قرآن؛ چاپ سوم؛ انتشارات اقبال؛ ۱۳۸۸ ش.
۸۳. یاسری، محمود؛ ترجمه و خلاصه تفسیر؛ چاپ اول؛ قم؛ بنیاد فرهنگی امام مهدی (ع)؛ ۱۴۱۵ ق.
۸۴. یعقوب، اوجین منّا المطران؛ قاموس کلدانی عربی؛ بیروت؛ منشورات مرکز بابل؛ ۱۹۷۵ م.
85. Abolqasemi Fakhri G.H, Le Coran Transcription et Traduction Rdaction Par, Qum. Ansariyan Publication, 2011.
86. Adel Theodor Khoury, Der Koran: erschlossen und kommentiert von Düsseldorf: Patmos, 2005.
87. Ahmadiyya Muslim Jamaat, Der Heilige Qur'an, Veröffentlicht, 2012.
88. Ahmed Muhammad and Samira, The Koran, Complete Dictionary and Literal Translation, Vancouver, Canada, 1994.
89. Ali, Abdullah Yusuf, The Holy Qurān: English Translation & Commentary (With Arabic Text) (1st ed). Kashmiri Bazar, Lahore: Shaikh Muhammad Ashraf, 1934.
90. Amir M.A. Zaidan. At-tafsir - Der Quraan-Text und seine Transkription und Übersetzung, Islamologisches Institut, 2009.
91. Arthur John Arberry, The Koran Interpreted, Allen & Unwin, London, 1955.
92. Beeston, A.F.L., & Ghul, M. A, Sabaic Dictionary/ Dictionnaire, 1982.
93. Costaz, louis,s.j, Dictionnaire syriaqus- francais, syriac-english dictionary , قاموس سربانی عربی , Beyrouth, dar el-machreq., 2002.
94. Denise Masson, Le Coran, translation and notes, Paris, Gallimard, 1967.
95. Dillmann, Augusti: Lexicon linguae aethiopicae, ----, weigel, ----
96. Irving, T.B. (Al-Hajj Ta'lim Ali), The Qur'an Translation and Commentary, first edition, Amana Books, Brattleboro, Vermont, 1985.
97. Macuch, R. A, mandaic dictionary, Oxford university press, London, 1963.
98. Margoliouth, MRS, A Compendius syriac Dictionary Founded Upon The Thesarus of R.payne Smith, Oxford at the clarendon press, 1903.
99. Miguel. Civil & Ignace J. Gelb, The Assyrian Dictionary of the Oriental Institute of the University of Chicago, Chicago, 1962.
100. Muhammad Hamidullah, Le Saint Coran: traduction et commentaire, paris, Le Club Français Du Livr, 1966.

101. Muhammad ibn Ahmad ibn Rassoul, Al-Qur'ān al-Karīm. Die ungefähre Bedeutung in deutscher Sprache, Köln, 1991.
102. Orel, V. E. & O. V. Stolbova. Hamito-Semitic Etymological Dictionary: Materials for a Reconstruction. Leiden: E.J. Brill, 1995.
103. Pickthall, Marmaduke, The Meaning of the Glorious Koran, New Modern English Edition with brief explanatory notes and Index of subjects, 7th Edition, Published by IDCI, 2011.
104. progressive Muslims, The Message, A Translation of the Glorious Qur'an, Brainbow Press, 2008.
105. Qarai, Ali, The Qur'an: With a Phrase-by-Phrase English Translation, 6th Edition, Independently published, 2019.
106. Rudi Paret, Der Koran: Übersetzung von Rudi Paret (German Edition), Kohlhammer Verlag, 12th ed. Edition, 2014.
107. Sarwar, Shaykh Muhammad, The Holy Qur'an: The Arabic Text and English Translation, sixth edition, e-book, 2011.
108. Shakir, Muhammad Habib, The holy quran: arabic text and english translation, Worldwide Organization For Islamic Services (WOFIS), 2001.
109. Zammit, Martin K, A comparative lexical study of Qur'anic Arabic, Leiden, Brill, 2002.